

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2022; 12(37): e38

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Analyzing the Basic of Bioethics in Green Criminology

Rahmatallah Rezaei¹

1. Department of Law, Faculty of Humanities, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Green criminology is the analysis of environmental harms from the perspective of criminology and the use of criminological ideas in environmental issues, and for nearly three decades, it has been studying environmental crimes, the perpetrators of crimes and their motives, the victims of these crimes and how they are victimized, and also about dealing with and preventing these crimes. This study was done with the aim of analyzing the basics of bioethics in the field of green criminology.

Methods: In this analytical study, after a purposeful search and review of sources, the ethical components of green criminology are described.

Ethical Considerations: The norms related to ethics in research as well as fidelity in quoting texts and references of the article have been fully observed.

Results: Analyzing the components of green criminology in terms of the basic of bioethics presented by "Beauchamp" and "Childress" can be considered an effective step in identifying the ethical mission of this emerging field. Adapting the four principles of bioethics, autonomy, beneficence, non-maleficence, and justice, with the basics of green criminology and the three philosophical approaches of human-centered, bio-centered, and nature-centered has proven the convergence between bioethics and green criminology. The three philosophical approaches of green criminology also have a privileged position in matching with the four principles of bioethics; With the difference that in the human-centered approach, it deals with the criminalization of activities contrary to the freedom and usefulness of humans, and the bio-centered approach introduces humans as one of the animal species and criminalizes the destructive behaviors of different living species, and the nature-centered approach, by expanding the radius of criminalization to activities which is in conflict with the interests of the natural world, including living things such as animals and plants, the earth and the space above it, protects the biosphere.

Conclusion: The analysis of the ethical components of green criminology and its application to the rules of applied ethics shows its importance and benefits in the present time, which while being new, should be considered.

Keywords: Green Criminology; Bioethics; The Environment; Environmental Harm

Corresponding Author: Rahmatallah Rezaei; **Email:** rahmatrezaei@pnu.ac.ir

Received: August 07, 2021; **Accepted:** May 06, 2022; **Published Online:** January 29, 2023

Please cite this article as:

Rezaei R. Analyzing the Basic of Bioethics in Green Criminology. Akhlāq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2022; 12(37): e38.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

دوره دوازدهم، شماره سی و هفتم، ۱۴۰۱

تحلیل مبانی اخلاق زیستی در جرم‌شناسی سبز

رحمت‌اله رضایی^۱

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جرم‌شناسی سبز مبتنی بر تجزیه و تحلیل مضرات زیست‌محیطی از منظر جرم‌شناسی یا استفاده از اندیشه‌های جرم‌شناسی در مسائل زیست‌محیطی است و نزدیک به سه دهه است که در مورد جرائم زیست‌محیطی، مرتکبین جرائم و انگیزه‌های آنان، قربانیان این جرائم و نحوه بزه‌دیدگی آن‌ها و هم‌منظور در خصوص برخورد و پیشگیری از این جرائم، فعالیت می‌کند. این مطالعه با هدف تحلیل مبانی اخلاق زیستی در حیطه جرم‌شناسی سبز به انجام رسید.

روش: در این مطالعه به صورت تحلیلی، پس از جستجوی هدفمند و مرور منابع به تبیین مؤلفه‌های اخلاقی جرم‌شناسی سبز پرداخته شده است. **ملاحظات اخلاقی:** هنجارهای مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله به طور کامل رعایت گردیده است. **یافته‌ها:** تحلیل مؤلفه‌های جرم‌شناسی سبز از نظر مبانی اخلاقی زیستی ارائه شده از سوی «بیوچامپ» و «چیلدرس» می‌تواند گام مؤثری در شناسایی و محک رسالت اخلاقی این رشته تقریباً نوظهور به حساب آید. تطبیق اصول چهارگانه اخلاقی زیستی، خودمختاری، عدالت، فایده‌رسانی و نازبان‌مندی با مبانی جرم‌شناسی سبز و رویکردهای سه‌گانه فلسفی انسان‌محورانه، زیست‌محورانه و طبیعت‌محورانه آن همگرایی بین اخلاق زیستی و جرم‌شناسی سبز را به اثبات رسانده است. رویکردهای سه‌گانه فلسفی جرم‌شناسی سبز نیز در تطبیق با اصول چهارگانه اخلاق زیستی جایگاه ممتازی دارند؛ با این تفاوت که در رویکرد انسان‌محور به جرم‌انگاری فعالیت‌های مغایر با آزادی و سودمندی انسان‌ها می‌پردازد و رویکرد زیست‌محور انسان را یک گونه از گونه‌های حیوانی معرفی کرده و رفتارهای مخل زیست گونه‌های مختلف جاندار را جرم‌انگاری نموده است و رویکرد طبیعت‌محور نیز با توسعه شعاع جرم‌انگاری به فعالیت‌هایی که در تضاد با منافع جهان طبیعت است، اعم از جاندارانی نظیر حیوانات و گیاهان، کره زمین و فضای بالای سر آن به محافظت از زیست کره می‌پردازد. **نتیجه‌گیری:** تحلیل مؤلفه‌های اخلاقی جرم‌شناسی سبز و تطبیق آن با قواعد اخلاق کاربردی مبین اهمیت و فایده آن در زمان کنونی است که در عین جدیدبودن باید مورد توجه قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی سبز؛ اخلاق زیستی؛ محیط زیست؛ آسیب‌های محیطی

نویسنده مسئول: رحمت‌اله رضایی؛ پست الکترونیک: rahmatrezaei@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Rezaei R. Analyzing the Basic of Bioethics in Green Criminology. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2022; 12(37): e38.

مقدمه

«جرم‌شناسی سبز» در پی بررسی و تجزیه و تحلیل دلایل، پیامدها و شیوع جرم و آسیب‌های محیطی، روش‌های جلوگیری از این جرائم توسط سیستم حقوقی (مدنی، کیفری و نظارتی)، اشخاص غیر دولتی و جنبش‌های اجتماعی بوده و سعی در بازتعریف و تفسیر جدیدی از ارائه جرائم و آسیب‌های وارد بر محیط زیست می‌نماید. بیشتر تحقیقات صورت گرفته در جرم‌شناسی سبز حول محور چگونگی ارتباط این رشته با جرم‌شناسی و حقوق و محیط زیست بوده است و کمتر از دریچه مبانی اخلاقی زیستی به عنوان یک بخش از اخلاق کاربردی که به دنبال یافتن پاسخی برای سؤالات اخلاقی خود با رویکردی فلسفی است، به جرم‌شناسی سبز نگریده شده است؛ مخصوصاً اینکه رویکردهای فلسفی سه‌گانه «انسان‌محور»، «زیست‌محور»، «بوم‌محور» که به ترتیب بر اهمیت و اصالت انسان، گونه‌های مختلف جانوران و جهان محیط تأکید می‌کنند در مقیاس اخلاق کاربردی مورد سنجش و دقت قرار نگرفته است.

لذا، این نوشتار با هدف تبیین مبانی اخلاق زیستی جرم‌شناسی سبز، ابتدا به بررسی مفهوم جرم‌شناسی سبز پرداخته است و سپس اصول چهارگانه اخلاق زیستی بر مبنای آنچه که بیوچامپ و چیلدرس (Beauchamp & Childeress) ارائه می‌دهند با مؤلفه‌های سازنده این رشته نوظهور از جرم‌شناسی، مخصوصاً رویکردهای سه‌گانه آن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

روش

این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایر منابع در دسترس به تبیین مسأله پرداخته است و با رویکردی فلسفی در روش‌شناسی به تطبیق مؤلفه‌های اخلاقی کاربردی جرم‌شناسی سبز با اصول اخلاقی زیستی می‌پردازد.

یافته‌ها

تعمیق و تحلیل در پردازش بحران‌های زیست‌محیطی به وجود آمده در چارچوب جرم‌شناسی سبز نشان می‌دهد که این دانش امروزه چه جایگاه والا و متمایزی در بین گرایش‌های تخصصی حقوق داشته و در آینده تا چه اندازه می‌توان از ظرفیت‌های آن برای حل معضلات زیستی استفاده نمود.

جرم‌شناسی سبز با تطبیق اجزاء وجودی خود با مؤلفه‌های اخلاق کاربردی می‌تواند بهتر و کامل‌تر به تفسیر مسائل و بحران‌های زیست‌محیطی و تبیین چالش‌های دست ساخت بشر در اکوسیستم و زیست کره بپردازد و با تنویر افکار در جهت آگاهانیدن ریشه‌ها و مبانی به خطر اندازنده محیط زیست در راستای رفع آن‌ها گام‌های استواری بردارد.

بحث

۱. مفهوم‌شناسی: اصطلاح جرم‌شناسی سبز (Green Criminology) در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی اولین بار توسط «مایک لینچ (Mike Lynch)» در ادبیات جرم‌شناسی ابداع و استفاده شد و در سال ۱۹۹۲ در کتاب جنایات مشارکتی، خشونت‌های مشارکتی نوشته نانسی فرانک و مایکل لینچ (Nansi Frank & Michael Lynch) انعکاس و گسترش یافت (۱) و امروزه با گذشت عمری نزدیک به ۳۰ سال به طور گسترده‌ای برای توصیف و تشریح پژوهش‌های جرم‌شناسانه‌ای که به طور خاص بر موضوعات مربوط به آسیب‌های زیست‌محیطی تمرکز می‌کند، مورد پذیرش و قبول جامعه علمی دنیا قرار گرفته است (۲).

جرم‌شناسی سبز در دقیق‌ترین مفهوم خود بررسی نقض قوانینی است که برای محافظت از محیط زیست یا حیوانات طراحی شده است، نظیر قوانینی که باعث ایجاد آلودگی یا ممنوعیت شکار می‌شود. اما در یک نگاه وسیع‌تر به معنای بررسی آسیب‌ها و جرائم زیست‌محیطی از نظر رویکردهای جرم‌شناختی است که با تأمل در موارد جرائم و آسیب‌هایی که بر محیط زیست تحمیل می‌شود و متخلفین و مجرمینی که بر علیه محیط زیست مرتکب جرم می‌شوند و چگونگی ارتکاب

از سوی آنان و همینطور قربانیان این جرائم و آسیب‌ها و نحوه بزه‌دیدگی و ورود آسیب به آن‌ها و نیز در خصوص واکنش مناسب به جرائم محیطی از قبیل سیاست‌گذاری، مجازات و پیشگیری، دیدگاه‌های کاربردی و نوینی را ارائه می‌دهد (۳).

برخی جرم‌شناسی سبز را به عنوان جرم‌شناسی زیست‌محیطی که شاخه‌ای از جرم‌شناسی بوده و در مورد جرم‌انگاری آسیب‌های زیست‌محیطی و پدیده‌های مربوط به آن مطالعه می‌کند، تعریف کرده‌اند (۴). از نام‌های دیگر جرم‌شناسی سبز که در بعضی اوقات مترادف با آن به کار رفته است و در بعضی مواقع با تفاوت‌های جزئی خود را به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های جرم‌شناسی سبز محسوب می‌کند، می‌توان به «جرم‌شناسی زیست‌محیطی» و «جرم‌شناسی حفاظتی محیط زیست» اشاره کرد.

جرم‌شناسی زیست‌محیطی در آثار جرم‌شناسان گاهی اشاره به نوع ویژه‌ای از مطالعات شهری و جرم دارد که بیشتر در مورد محیط زیست شهری و آلودگی‌های مربوط به آن فعالیت می‌کند و گاهی هم به جای جرم‌شناسی سبز و مترادف با آن به کار رفته است (۲).

جرم‌شناسی حفاظتی محیط زیست یکی دیگر از اصطلاحات نزدیک به جرم‌شناسی سبز است که به «جرم‌شناسی حفاظت» نیز معرفی می‌گردد و بیشتر به عنوان یکی از حوزه‌های مطالعاتی جرم‌شناسی سبز در مورد دلایل جرم و آسیب‌های زیست‌محیطی فعالیت می‌کند که شامل نقض قوانین موجود در محیط زیست (نقض مدنی، کیفری و نظارتی) است. این حوزه درصدد ادغام جرم‌شناسی با رشته‌های منابع طبیعی و اکتشاف جرائم زیست‌محیطی است که به صورت قانونی تعریف شده است و واکنش اجرای قانون را در آن‌ها جستجو می‌کند (۵).

۲. قلمرو جرم‌شناسی سبز: از نظر «مایکل لینچ (Michael Lynch)» پدر جرم‌شناسی سبز موضوع این رشته از جرم‌شناسی بحث در خصوص جرائم مربوط به قدرت، حقوق و مقررات، مجازات و کنترل تخلفات زیست‌محیطی است. او اعتقاد دارد باید نظریه‌های سبز سیاسی ایجاد شود تا

بتواند تخریب‌های زیست‌محیطی را به عنوان برآیند ساختار الگوی تولیدی و مصرفی سرمایه‌داری صنعتی مورد بررسی قرار دهد (۶). بر مبنای نظر فوق حوزه قلمرو جرم‌شناسی سبز می‌تواند تمامی اعمال بشری باشد که در این محیط پیرامونی به وقوع می‌پیوندد و تمامی کنش‌های انسانی باید زیر ذره‌بین جرم‌شناسی قرار بگیرد (۷).

قلمرو جرم‌شناسی سبز مشخصاً در موارد ذیل می‌تواند نمود داشته باشد:

- مطالعه جرائم ارتكابی علیه بشریت از طریق تخریب محیط زیست.

- مطالعه حقوق، معاهدات و جنبش‌های طرح‌شده به منظور ارتقای مفهوم اعمال زیست‌محیطی که از عدم تخریب زندگی بشری، حیوانی و گیاهی حمایت می‌کند.

- بررسی موفقیت‌ها و شکست‌های دولت‌ها و شرکت‌ها به منظور حمایت از انسان‌ها و جانوران در برابر خطرات زیست‌محیطی.

- مطالعه اعمال خاص دولتی و شرکتی و جهت‌گیری‌های اجتماعی که باعث تخریب محیط زیست و تهدید بقای انسان‌ها، جانوران و گیاهان می‌شود.

- مطالعه بی‌دقتی، بی‌پروایی یا تخریب خودسرانه انسان‌ها و جانوران از طریق سوءاستفاده از محیط زیست.

- بررسی آزمایشات ترکیبات شیمیایی، دارویی و... در خصوص جانوران و انسان‌ها و تولیدات کالایی و شیمیایی و غذایی که دارای تأثیرات منفی بر تمامی اشکال ارگانیسم‌های زنده هستند (۸).

۳. رویکردهای فلسفی جرم‌شناسی سبز: در فلسفه وجودی جرم‌شناسی سبز سه رویکرد انسان‌محور (Anthropocentric Perspective)، زیست‌محور (گونه‌محور) (Biocontric Perspective) و طبیعت‌محور (بوم‌محور) (Ecocentric Perspective) بیش از همه به چشم می‌خورد. این سه رویکرد فلسفی بر نحوه درک جرم‌شناسان سبز بر تعریف جرم، ماهیت بزه‌دیدگی انسان‌ها، حیوانات و محیط‌های خاص و... اکوسیستم تأثیر می‌گذارد (۹).

دیدگاه انسان‌محورانه جرم‌شناسی سبز حول محور انسان می‌چرخد و بر برتری بیولوژیکی، ذهنی و اخلاقی انسان بر سایر موجودات زنده و غیر زنده تأکید می‌نماید (۱۰). از نظر این رویکرد انسان‌ها به جای قرارگرفتن در بخشی از اکوسیستم جهان و یکپارچگی این اکوسیستم‌ها با موجودات غیر انسانی نظیر هوا، گیاهان، خاک، آب و... جدای از آن‌ها نگریسته می‌شوند و این اندیشه که رفاه انسان کاملاً به ماندگاری طولانی مدت موجودات غیر بومی وابسته است، مورد غفلت قرار می‌گیرد (۱۱).

در رویکرد زیست‌محور یا گونه‌محور انسان صرفاً به عنوان گونه دیگر از ارگانیسم‌هایی نظیر پرندگان، نهنگ‌ها و دیگر حیوان‌ها به شمار می‌آید و ارزش برابری با سایر گونه‌ها دارد. این دیدگاه بر استفاده به اندازه از منابع تأکید می‌کند (۹).

رویکرد طبیعت‌محور یا بوم‌محور معتقد است انسان و فعالیت‌های آن به طور غیر قابل پیوندی با سایر جهان طبیعی به هم پیوسته‌اند. از این منظر از قراردادن بشریت به جایگاهی بالاتر یا پایین‌تر از بقیه موجودات طبیعت امتناع می‌ورزد. این دیدگاه همچنین معتقد است ظرفیت منحصر به فرد بشر برای توسعه و استقرار روش‌های تولید که عواقب جهانی داشته باشد، به معنای آن است که انسان‌ها نیز مسئولیت واضح و صریحی دارند تا اطمینان حاصل کنند که چنین روش‌هایی به فضا و بخش‌های رویی پوسته زمین نیز صدمه نخواهد زد.

این سه جهت‌گیری عدالت‌محورانه زیست‌محیطی نه تنها بر برنامه‌های تحقیقاتی جرم‌شناسان سبز و راه انتخاب‌کردن و نزدیک‌شدنشان به موضوعات مورد مطالعه در این خصوص تأثیر می‌گذارد، بلکه ماهیت و دامنه سیاست‌های پیشنهادی را نشان می‌دهد (۹).

۴. بزه‌کاران و بزه‌دیدگان جرم‌شناسی سبز: جرم‌شناسی سبز همچنین سعی در شناسایی و افشای مشخصات افراد و گروه‌هایی دارد که علیه محیط زیست فعالیت می‌کنند. بزه‌کاران این جرائم می‌توانند افراد جامعه یا گروه‌های سازمان یافته جنایی باشند؛ بیشتر اوقات شرکت‌های بزرگ دولتی مرتکب جرائم زیست‌محیطی می‌گردند و ارتکاب این جرائم

توسط دولت‌ها تسهیل می‌شوند. جرم‌شناسی سبز در مقابله با شرکت‌های دولتی یا بین‌المللی و سایر بازیگران قدرتمند در این خصوص بسیار آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد، چراکه این شرکت‌ها توانایی این را دارند که تعریف‌های رسمی از جرائم زیست‌محیطی را به روش‌هایی که دلخواه خود آن‌ها است توجیه کنند و اعمال و فعالیت‌های مضر زیست‌محیطی را مجاز جلوه دهند (۱۲).

جرم‌شناسی سبز ضمن انتقاد از رویکرد سنتی حاکم بر بزه‌دیدگی در حقوق کیفری که معمولاً بر بزه‌دیدگان شخصی و انسانی تمرکز کرده است تعریف خود از جرائم زیست‌محیطی را به گونه‌ای ارائه می‌دهد که بزه‌دیدگان آن دامنه وسیعی از طیف‌های مختلف نظیر اشخاص، جوامع (بومیان، کشاورزان و...) گونه‌های غیر انسانی، محیط زیست منطقه‌ای و جهانی و نسل‌های آینده را شامل گردد که بسته به انتخاب هر یک از رویکردهای سه‌گانه بزه‌دیدگان متفاوتی را شاهد خواهیم بود؛ مثلاً با اتخاذ رویکرد انسان‌محور تنها می‌توان انسان‌ها را به عنوان بزه‌دیدگان زیست‌محیطی تلقی کرد. با اتخاذ رویکرد زیست‌محور هر موجودی اعم از زنده و غیر زنده که در معرض آسیب‌های زیست‌محیطی قرار دارند می‌توانند بزه‌دیده تلقی شوند و در نهایت با اتخاذ یک رویکرد بوم‌محور جانوران و گیاهان نیز در کنار انسان‌ها به عنوان بزه‌دیده شناسایی می‌شوند (۱۳).

۵. اصول اخلاق زیستی جرم‌شناسی سبز: در نگرش اخلاق محورانه به جرم‌شناسی سبز و تطبیق مؤلفه‌های آن با این رشته تقریباً نوظهور باید گفت اساساً اصول اخلاق زیستی بر مبنای آنچه که «بیوچامپ» و «چیلدرس» (Beauchamp & Childress) ارائه می‌دهند، بر چهار محور خودمختاری، سودمندی، زیان‌نرساندن و عدالت استوار است (۱۴). در این قسمت از نوشتار قصد نگارنده آن است که این اصول چهارگانه را در مؤلفه‌های جرم‌شناسی سبز مورد واکاوی و پویش قرار دهد.

۵-۱. خودمختاری (استقلال): استقلال عموماً این‌گونه توصیف می‌گردد: «حق تعیین سرنوشت، توانایی کنترل آنچه

برای ما رخ می‌دهد و چگونگی رفتار ما؛ این اعمال اراده از ما تنها در صورتی قابل پذیرش است که تأثیر نامطلوبی بر حقوق دیگران نگذارد (۱۵).

خودمختاری یک اصل اخلاقی مهم است، زیرا متضمن احترام به افراد و حریم شخصی آنهاست و منظور از این اصل آن است که ضمن احترام به عقاید افراد لازم است تصمیم‌های هر شخص در مورد خودش مورد قبول و موافقت قرار گیرد. باید توجه داشت که نگرش افراطی به این اصل به نظر نمی‌تواند قابل پذیرش باشد، چراکه با حقوق دیگران در تضاد و تنافی است و نباید اجازه داد که فرد به هر عملی که طالب آن است، ولو خود ویرانگرانه و خودآزارنده تن دهد، لذا این اصل اخلاقی در هر وضعیتی در قانون مورد حمایت قرار نمی‌گیرد (۱۵) و عمده مواردی که این اصل مورد حمایت قرار نمی‌گیرد در جایی است که فرد به دیگران و به خود آسیب وارد نماید (۱۶).

در تطبیق ویژگی‌های این اصل اخلاقی با مؤلفه‌های جرم‌شناسی سبز باید گفت این رشته از جرم‌شناسی اصرار دارد از فعالیت‌های خودسرانه‌ای که مضر زیست بوم هستند جلوگیری کرده و آن‌ها را جرم‌انگاری نماید، چراکه آن‌ها را مخل حقوق و آزادی‌های دیگران می‌داند. به نظر می‌رسد جرم‌شناسی سبز از این نقطه نظر در جایگاه بسیار مطلوبی قرار دارد، چراکه آنچه مد نظر جرم‌شناسی سبز است نه فقط حفظ حقوق انسان‌ها، بلکه مراعات حقوق حیوانات، گیاهان، آب و هوا و کره زمین نیز می‌باشد.

از نظر لینچ (Lynch) جرائم سبز شامل دامنه وسیعی از نتایج و اعمالی است که موجبات آسیب به محیط زیست را فراهم می‌کند، مثلاً فعالیت کارخانه‌های تولید کاغذ می‌تواند به عنوان یک جرم سبز شناخته شود، چراکه این کارخانه‌ها در فرآیند تولید از کالاهای وسیعی استفاده می‌کنند و این فرآیند با بهره‌برداری و قطع درختان باعث آسیب به محیط زیست به وسیله از بین بردن زیستگاه‌های حیوانات می‌شود و همچنین باعث کاهش توانایی اکوسیستم به منظور تصفیه هوا، تولید خاک و جلوگیری از فرسایش می‌شود و استفاده حجم وسیعی

از آب در تولید خمیر کاغذ و فرآیند شیمیایی آن، آب را آلوده می‌کند (۱۷).

هر سه رویکرد فلسفی جرم‌شناسی سبز در تطبیق با اصل خودمختاری یا همان استقلال حائز نمره قبولی هستند، با این تفاوت که دارای شدت و ضعف می‌باشند، چراکه رویکرد انسان محورانه فقط به حفظ حقوق و آزادی‌های دیگر انسان‌ها توجه می‌کند و از این نقطه نظر فعالیت‌هایی که به زیست انسان‌ها صدمه می‌زنند باید جرم‌انگاری شوند و رویکرد زیست‌محور یا گونه‌محور علاوه بر انسان‌ها به حفظ حیات و بقای گونه‌هایی دیگر از ارگانیسم نظیر حیوانات، پرندگان و آبزیان نیز می‌اندیشد و رویکرد طبیعت‌محور یا بوم‌محور بالاتر از دو دیدگاه فوق و در یک نگاه کلی‌تر از آن دو معتقد است، باید فعالیت‌های بشر به نحوی تنظیم شود که فاقد هرگونه ضرر برای جهان طبیعت باشد و باید حیات طبیعت مانند حیات انسان‌ها محترم شمرده شود.

۵-۲. اصل سودمندی (خیرخواهی): این اصل غالباً با این عنوان که «مهم‌تر از همه این است که کار خوب را انجام بدهیم» مورد توجه قرار می‌گیرد. توضیح بیشتر اینکه یکی از مبانی اخلاقی در علوم زیستی اصل خیررسانی است؛ به معنای انجام کارهایی که برای دیگران سودمند و مطلوب باشد. بر این مینا کسی که در یکی از رشته‌های زیستی نظیر پزشکی فعالیت می‌کند، در صورتی اخلاقی عمل کرده که به نفع دریافت‌کنندگان خدمت (بیماران یا مراجعین) عمل نماید (۱۸). این اصل همچنین بیانگر این مطلب است که باید بالاترین سطح توجه را به سلامتی و رفاه افراد جامعه مبذول داشت (۱۴).

در تطبیق این اصل با مؤلفه‌های جرم‌شناسی سبز باید گفت از این منظر هم جرم‌شناسی سبز در نقطه اوج ایستاده است، چراکه می‌خواهد بالاترین سطح استانداردهای کمی و کیفی ممکن را برای حفاظت از انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و محیط زیست در نظر بگیرد.

جرم‌شناسی سبز همیشه در تعارض منافع صاحبان قدرت و ثروت با حفظ محیط زیست و گونه‌های مختلف جانوری از نفع

بزرگ‌تر که همانا حفظ محیط زیست و گونه‌های متنوع آن است، دفاع نموده و سعی می‌کند علاوه بر اینکه به قدرت بزه‌کاران زیست‌محیطی توجه نکند، بلکه سیستم عدالت کیفری را مجاب نماید تا از پنجره جرم‌شناسی سبز به موضوعات نگریسته و با جهت‌گیری‌های کلان خود کمترین خسارت را به زیست بوم وارد نمایند.

جرم‌شناسان سبز با استفاده از یک سنت جنایی مهم و بنیادی سعی در بررسی و افشای مضرات زیست‌محیطی که ممکن است به صورت آماری توصیف نشوند دارند و می‌خواهند از این طریق دامنه مطالعات و فعالیت‌های خود را گسترش دهند و به همین خاطر ممکن است انتقادات سختگیرانه‌ای را به شرکت‌ها و گسترش سرمایه‌داری داشته باشند و همین موضوع هزینه‌های زیادی را برای آنان به وجود می‌آورد (۱۹).

رویکردهای فلسفی جرم‌شناسی سبز از منظر اصل سودمندی نیز دارای جایگاه قابل توجهی می‌باشند با این توضیح که از نقطه نظر دیدگاه انسان‌محورانه دامنه شمول این اصل محدودتر از دو رویکرد دیگر و حول محور انسان می‌چرخد و از این دیدگاه هرچه به انسان نفع برساند، مورد احترام و ارزش است، اما در رویکرد زیست‌محور یا گونه‌محور نه فقط انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود، بلکه سود و منفعت دیگر گونه‌های جاندار نظیر حیوانات و گیاهان نیز باید لحاظ گردد و کاری که از منظر رویکرد انسان‌محورانه دارای اصالت و توجه است لزوماً در این رویکرد مورد احترام نیست و ای بسا مورد اشکال و انتقاد نیز قرار گیرد.

در رویکرد طبیعت‌محور، اما دایره سودمندی وسعت بیشتری از دو رویکرد قبلی دارد و از این دیدگاه برای اینکه عملی قابل دفاع و ارزشمند تلقی شود، نه فقط باید به حال انسان‌ها و دیگر گونه‌های جاندار مفید باشد که باید برای کل جهان طبیعت دارای فایده بوده و نباید ضرری حتی برای فضا و بخش‌های رویی پوسته زمین داشته باشد.

۳-۵. اصل زیان‌رساندن: یکی دیگر از ارکان مهم اخلاق زیستی خودداری از زیان‌رساندن است، به این معنا که باید از

آسیب‌زدن به سلامت افراد اجتناب شود یا آسیب‌های احتمالی را به حداقل رساند.

از نظر اندیشمندانی نظیر بیوچامپ و چیلدرس (Beauchamp & Childeress) این اصل برتر از اصل خیرخواهی است، چراکه تکلیف انسان‌ها برای ضرررساندن بزرگ‌تر از تکلیفشان برای انجام کار خوب است، به ویژه در جایی که ممکن است افراد با کارهایی که می‌کنند، خودشان یا دیگران را در معرض خطر قرار دهند (۱۵).

شاید به جرأت بتوان گفت که این اصل در سرتاسر پهنه جرم‌شناسی سبز پررنگ‌ترین و عمیق‌ترین رد پا را دارد و اگر بخواهیم در یک عبارت فلسفه وجودی این رشته از جرم‌شناسی را خلاصه کنیم، آن، نفی ضررهای زیستی است؛ تا جایی که می‌توان گفت تمرکز جرم‌شناسی سبز بر مضرات و جنایاتی است که توسط انسان‌ها صورت گرفته است و با گذشت زمان توسعه یافته‌اند (۹).

جرم‌شناسان سبز به تأثیرات منفی و مضرات فعالیت‌های بشر بر روی اکوسیستم و زمین به عنوان یک کل توجه نموده‌اند و به طور خاص‌تر به تأثیر و مضرات این فعالیت‌ها بر حیات حیوانات و گیاهان و همین‌طور تأثیرات نامناسبی که فعالیت‌های بشری بر کیفیت زندگی برخی از جمعیت‌های تحت حمایت یا محروم جامعه نظیر زنان، کودکان، اقلیت‌ها، افراد با وضع اقتصادی پایین‌تر می‌گذارد، تمرکز کرده‌اند. اهم موضوعات مورد بررسی آنان در این خصوص عبارتند از:

- آلودگی هوا و مشکلات آب (دسترسی، آلودگی، کمبود).
- سوءاستفاده از حیوانات، مخاطره حیات و حقوق و رفاه آنان، از جمله تجارت قانونی و غیر قانونی حیوانات و انقراض نسل.
- آسیب‌ها و مضرات ناشی از گرم‌شدن کره زمین و تغییرات آب و هوایی.
- جرائم غذایی و کشاورزی.
- حمل و نقل خطرناک زباله‌های الکترونیکی و دفع غیر قانونی زباله‌های سمی.
- نقض مقررات بهداشتی و ایمنی در محیط کار که عواقب زیانباری برای محیط زیست دارند (۲۰).

یکی از جرم‌شناسان سبز در تعریف عدالت زیست‌محیطی اشعار می‌دارد: «عدالت زیست‌محیطی اشاره به توزیع محیط زیست در میان افراد و تأثیر فعالیت‌های اجتماعی بر روی جوامع دارد. مرکز تحلیل در این مفهوم، سلامتی و رفاه انسان می‌باشد و اینکه چگونه این مسائل بر شیوه تولید و مصرف اثر خواهد گذاشت» (۲۵).

عدالت زیست‌محیطی می‌تواند هم‌پوشانی عمیقی با عدالت توزیعی و اهداف آن برقرار نماید، اما عدالت اکولوژیکی ناظر بر روابط میان انسان و طبیعت است و بیشتر بر بقای جهان طبیعت و حفظ گونه‌های موجود در آن تکیه دارد. به عبارتی دیگر این نوع از عدالت با هدف حفظ جهان طبیعت در اولویت با نیازهای بشری شکل گرفته است (۷).

برخی از جرم‌شناسان سبز در خصوص عدالت اکولوژیکی گفته‌اند که «عدالت اکولوژیکی ارتقادهنده انصاف در رابطه با محیط زیست طبیعی هم برای نسل حاضر و نسل‌های آینده و هم برای انسان و سایر موجودات زنده می‌باشد» (۲۶).

عدالت اکولوژیکی تنها دربردارنده حمایت از منافع محیط زیست و جهان طبیعت در برابر منافع انسانی نیست، بلکه در بسیاری از موارد بر عدالت میان نسلی انسان‌ها نیز تأکید می‌کند و معتقد است که سه اصل اساسی در راستای عدالت اکولوژیکی میان نسلی وجود دارد:

۱- حفاظت از آزادی بوم‌شناختی، مانند اینکه هر نسل زنده‌ای باید تنوع منابع طبیعی و فرهنگی را محافظت نماید و نباید بدون جهت آزادی و اختیارات موجود را برای نسل‌های آینده به منظور حل مشکلات و بهره‌مندی از ارزش‌های خود از بین ببرد؛ ۲- حفاظت از کیفیت سیاره، مانند اینکه هر نسل زنده‌ای باید به گونه‌ای از سیاره حفاظت نماید که سیاره زمین بتواند به همان ترتیبی که به نسل حاضر رسیده به نسل آینده نیز تعلق گیرد؛ ۳- حفاظت از دستیابی برابر به منابع، مانند اینکه هر نسل زنده‌ای باید شرایطی را فراهم نماید که به موجب آن اعضای آن نسل به طور برابر به منابع مشروع و منافع حاصله از نسل‌های گذشته دسترسی داشته باشد و همچنین شرایط را

نکته قابل توجه این است که از منظر رویکردهای سه‌گانه، فلسفه موجود در جرم‌شناسی سبز در گستره تمیز نازیان‌مندی متفاوت به نظر می‌رسد، با این توضیح که از دیدگاه رویکرد انسان‌محورانه عملی زیان‌مند محسوب می‌گردد که برای حیات انسان‌ها مضر باشد، ولی از دیدگاه زیست‌محور یا گونه‌محور عملی که برای همه گونه‌های زیستی اعم از حیوانات و گیاهان مضر باشد، زیان‌مند محسوب گشته و انسان در این دیدگاه تنها یک گونه از گونه‌های حیوانات به شمار می‌آید و از دیدگاه طبیعت‌محور نیز دایره زیان‌مندی گسترده‌تر از دو رویکرد قبلی بوده و شامل هرگونه عملی که مضر به حال انسان‌ها، حیوان‌ها، گیاهان، کره خاکی، فضا و بخش‌های رویی پوسته زمین باشد، می‌گردد.

۴-۵. اصل عدالت: عدالت در لغت نقیض «جور» است (۲۲) و به معنای حد متوسط بین افراط و تفریط (۲۳) رعایت مساوات (۲۴) رعایت تناسب کیفر و پاداش با عمل (۲۴) و حکم به حق (۲۳) آمده است.

عدالت در اخلاق دو معنا دارد: «انصاف و یا توزیع برابر مسئولیت‌ها و منافع»، عدالت در معنای انصاف نیز دو تفسیر دارد: «رفتار یکسان با مردم یا برخورداری عادلانه شخص از امکانات». اصل عدالت در معنای انصاف سطحی از بی‌طرفی بودن در برخورد با دیگران را انتظار داشته و به آن اشاره دارد (۱۵). از دومین معنای عدالت به عنوان توزیع برابر مسئولیت‌ها و منافع، گاهی اوقات به «عدالت توزیعی» یاد می‌شود و غالباً برای پاسخ‌دادن به پرسش‌های مربوط به تخصیص منابع به کار برده می‌شود (۱۵).

به نظر می‌رسد جرم‌شناسی سبز رابطه تنگاتنگی با این مسأله داشته باشد، چراکه از مفهوم عدالت همواره به عنوان ابزاری برای نشان‌دادن خاستگاه معضلات زیست‌محیطی استفاده می‌کند. بسیاری از جامعه‌شناسان سبز معتقدند که ریشه اغلب آسیب‌های زیست‌محیطی را باید در توزیع نابرابر این آسیب‌ها جست. این مسأله منجر به پدیدارشدن دو گونه از مفهوم عدالت با عناوین «عدالت زیست‌محیطی» و «عدالت اکولوژیکی» در ادبیات جرم‌شناسی شده است (۷).

برای دسترسی برابر نسل‌های آینده به منابع، فراهم نماید (۲۷).

از منظر رویکردهای سه‌گانه فلسفی جرم‌شناسی سبز نیز می‌توان به اصل عدالت و معانی آن نگرست و قرابت مفهومی عمیقی را بین عدالت و رویکردهای انسان‌محور، زیست‌محور و طبیعت‌محور مشاهده کرد؛ با این توضیح که به نظر درجات گرایش آن‌ها به سمت عدالت و مشتقاتش دارای شدت و ضعف می‌باشد، چراکه در دیدگاه انسان‌محورانه انسان همان چیزی است که باید نیازهایش به بهترین وجه برطرف شود و به برخورداری عادلانه و مساوی انسان‌ها از محیط زیست تأکید می‌شود، اما از نقطه نظر زیست‌محور بر استفاده عادلانه و برابر همه گونه‌های چرخه حیات از محیط زیست نظیر انسان‌ها، حیوانات، آبزیان توجه می‌گردد و رویکرد طبیعت‌محورانه نیز در حالی که در جایگاه بالاتری از دو رویکرد قبلی ایستاده معتقد است جایگاه بشریت متفاوت از بقیه موجودات نیست و در کنار بهره‌مندی انسان‌ها، حیوانات و آبزیان باید به فکر کره زمین و فضای بالای سر آن نیز بوده و نباید استفاده از جهان و امکانات آن به زیست‌بوم و سهم آیندگان صدمه‌ای وارد نماید.

نتیجه‌گیری

اصل خودمختاری که از اصول اخلاقی زیستی به شمار می‌رود، یکی از خصوصیات سازنده جرم‌شناسی سبز است و این رشته در رویکردهای خرد و کلانش پایبندی خود را به رعایت این اصل و قیود آن نشان داده است و اصرار دارد فعالیت‌های خودسرانه‌ای را که مضر زیست‌بوم هستند، به دلیل اخلاقی در حقوق و آزادی‌های دیگران شناسایی و جرم‌انگاری کند. اصل سودمندی نیز در تطبیق با مؤلفه‌های جرم‌شناسی سبز جایگاه قابل قبولی دارد، چراکه جرم‌شناسی سبز می‌کوشد تا مرزهای سودمندی را باز تعریف نموده و اعمالی را جرم‌انگاری نماید که به حال زیست‌بوم مضر تشخیص داده شوند. اصل نازیان‌مندی نیز یکی از ملزومات جرم‌شناسی سبز است تا جایی که می‌توان ادعا نمود تمرکز جرم‌شناسی سبز بر

مضرات و جنایاتی است که توسط انسان‌ها صورت گرفته است و با گذشت زمان توسعه نیز یافته است.

جرم‌شناسی سبز همچنین رابطه تنگاتنگی با مسأله عدالت دارد؛ بدین معنا که از مفهوم عدالت همواره به عنوان ابزاری برای نشان‌دادن خاستگاه معضلات زیست‌محیطی استفاده می‌کند. در عدالت زیست‌محیطی که الزام‌بخش استفاده مسئولانه اخلاقی و متعادل‌شده از زمین و بازسازی منابع در حمایت از پایداری کره زمین برای انسان‌ها و سایر موجودات زنده است، حق تمامی کارگران بر ایمنی و سلامت محیط کار به رسمیت شناخته شده و برای قربانیان بی‌عدالتی زیست‌محیطی پرداخت غرامت و جبران خسارت از طریق فراهم‌نمودن شرایط زندگی سالم را در نظر دارد. اما عدالت اکولوژیکی که ارتقادهنده انصاف در رابطه با محیط زیست طبیعی هم برای نسل حاضر و نسل‌های آینده و هم برای انسان‌ها و سایر موجودات زنده است بر حفاظت از آزادی بوم‌شناختی، حفاظت از کیفیت سیاره زمین و حفاظت از دستیابی برابر به منابع تأکید می‌کند.

هر سه رویکرد فلسفی جرم‌شناسی سبز در تطبیق با اصول چهارگانه اخلاقی زیستی جایگاه قابل اعتنایی دارند. با این تفاوت که رویکرد انسان‌محور فقط فعالیت‌های مغایر با آزادی و سودمندی انسان‌ها را به عنوان جرم تلقی می‌کند و بر برخورداری عادلانه انسان‌ها از محیط زیست، تأکید می‌نماید، در حالی که رویکرد زیست‌محور انسان را یک گونه از گونه‌های حیوانی معرفی نموده و فعالیت‌های مخل حقوق و زیست گونه‌های مختلف جاندار را مغایر اصول اخلاقی زیستی می‌داند، اما رویکرد طبیعت‌محور با وسعت دیدی بالاتر از هر دو رویکرد فوق‌الذکر، فعالیت‌هایی را که برای جهان طبیعت اعم از جاندارانی نظیر گیاهان و حیوانات، کره زمین و فضای آن اخلاقی ایجاد می‌کند و مضر به حال زیست کره زمین و فضای بالای سر آن است را در شعاع جرم‌انگاری خود قرار می‌دهد.

مشارکت نویسندگان

رحمت‌اله رضایی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Brisman A. Of theory and meaning in green criminology. *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy*. 2014; 3(2): 21-34.
2. White R. Crimes against nature: Environmental criminology and ecological justice. London: Routledge; 2013.
3. Abachi M. Collection of new articles on criminal science. Tehran: Mizan; 2011. [Persian]
4. Eman K, Meško G, Fields CB. Crimes against the environment: Green criminology and research challenges in Slovenia. *Journal of Criminal Justice and Security*. 2009; 11(4): 574-592.
5. Gibbs C, Gore ML, McGarrell EF, Rivers III L. Introducing conservation criminology: Towards interdisciplinary scholarship on environmental crimes and risks. *The British Journal of Criminology*. 2010; 50(1): 124-144.
6. Lynch M, Stretesky P. Green criminology in the United States. *Issues in Green Criminology*. 2007; 3(2): 248-269.
7. Gorjifard H. *Green Criminology*. Tehran: Mizan; 2016. [Persian]
8. Prieto-Carrón M. Bringing Resistance to the Conceptual Center. *Gendered Commodity Chains: Seeing Women's Work and Households in Global Production*. 2013; 3(3): 225-239.
9. White R, Heckenberg D. *Green criminology: An introduction to the study of environmental harm*. London: Routledge; 2014.
10. Halsey M, White R. Crime, ecophilosophy and environmental harm. *Theoretical Criminology*. 1998; 2(3): 345-371.
11. White R, Graham H. Greening justice: Examining the interfaces of criminal, social and ecological justice. *British Journal of Criminology*. 2015; 55(5): 845-865.
12. Stanislas P. Transnational Environmental Criminology: Toward an Eco-global Criminology. *The British Journal of Forensic Practice*. 2012; 12(1): 67-93.
13. Hall M. Victims of environmental crime: Routes for recognition, restitution and redress. *Environmental Crime and its Victims*. Now York: Routledge; 2016. p.121-136.
14. Alizadeh M. Critique of the principles governing the living ethics of contemporary technology. *Bioethics Journal*. 2011; 1(2): 41-82. [Persian]
15. Mohaghegh Damad SM, Sasha Dina AA, Abbasi M. *An Introduction to Biological Ethics*. Tehran: Hoghoughi; 2007. [Persian]
16. Jabbaran M. The convergence of the principles of biological ethics in the field of research with the Islamic approach. *Pazhuhesh Name-e Akhlaq*. 2018; 11(41): 89-106. [Persian]
17. Beirne P, South N. *Issues in green criminology*. London: Routledge; 2013.
18. Soltani S, Abbasi M, Kamali M. Rehabilitation and the four principles of bioethics. *Bioethics Journal*. 2014; 4(11): 11-29. [Persian]
19. Lynch MJ, Stretsky PB. The meaning of green: Contrasting criminological perspectives. *Theoretical Criminology*. 2003; 7(2): 217-238.
20. Uhm DV. *The illegal wildlife trade: inside the world of poachers, smugglers and traders*. Now York: Springer; 2016.
21. Jouwhary EBH. *Al-Sehah*. Beirut, Lebanon: Dar al-Ehya al-Toras al-Arabi; 2005.
22. Farahidi KIA. *Al-Eyn*. Beirut: Dar al-Ehya al-Toras al-Arabi; 2000.
23. Hosseini Zobeydi MM. *Taj al-Aroos*. Kuwait: Dar al-Hedaya; 2009. [Arabic]
24. Esfahani R. *Mofradat Alfaz Quran*. Qom: Zavelghorba; 2003. [Arabic]
25. White R. Environmental issues and the criminological imagination. *Theoretical Criminology*. 2003; 7(4): 483-506.
26. Alroe HF. Editor. *The challenge of ecological justice in a globalising world*. Bonn: Researching Sustainable Systems 2005 Proceedings of the First Scientific Conference of the International Society of Organic Agricultural Research; 2005.
27. Weston BH. The theoretical foundations of intergenerational ecological justice: An overview. *Hum Rts Q*. 2012; 4(34): 251-266.